مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

آینه

کیهان

همچنان درخماری برجام

● **محمد ایمانی:** رؤیااندیشی برخی دولتمردان، به وضعیت بحرانی و نگران‌کننده‌ای رسیده است... معلوم نیست آقای ظریف سفر اروپایی رفته تا از آنها تضمین بگیرد پای تعهدات ضدتحریمی خود بمانند و با تحریم‌های ثانویه آمریکا مخالفت کنند یا بسته پیشنهادی اروپا را که نوعی دیکته تازه و باج‌خواهی نیابتی آمریکاست، بپذیرد و با خود به تهران بیاورد! متأسفانه برخی قرائن، ناظر بر احتمال دوم است. اگر اروپایی‌ها در کنار آمریکا به جای عذرآوردن و قول جبران، طاقچه بالا می‌گذارند و اجرای تعهد خود را مشروط به شروط و امتیازات جدید می‌کنند، به خاطر پیام‌های ضعفی است که مدام از این طرف منتقل شده است؛ چه آن زمان که با وجود پربودن خزانه، گفتند خزانه خالی است اما بزرگ‌ترین واردکننده خودروهای اشرافی در منطقه شدند. و یا گفتند آمریکا در پنج دقیقه می‌تواند تمام توان دفاعی ما را نابود کند و چه ۲۰ روز قبل که آقای ظریف به شورای روابط خارجی آمریکا رفت و از موضع متهم منفعل، به گله و شکایت از عربستان‌سعودی پرداخت. آیا بدون رازداری و صیانت از اسرار، پیروزی در مصاف با دشمن امکان‌پذیر است؟... همین جا باید گفت چند ماه دیگر که خیانت اروپا آشکار شد، امثال روحانی و ظریف شروع نکنند به خطابه‌های انقلابی علیه اروپا و به شعور مردمی که ذات غرب را مدت‌هاست شناخته‌اند، توهین کنند... آمریکا ابتدا عصاره و عایدی برجام را مکید و اکنون از تفاله آن بهره‌برداری می‌کند؛ نظیر شوک‌های اقتصادی روانی به افکار عمومی و تهدید شرکت‌ها و بانک‌های خارجی.

جمهوری اسلامی

یکه‌تازی موج‌سواران

● جای تأسف دارد که برخی گروه‌ها و جناح‌ها که اتفاقا ادعای بیشتری دارند و خود را معادل انقلاب و نظام در تمامی صحنه‌ها معرفی می‌کنند، در میدان عمل رفتاری مشابه دشمنان نظام دارند و حتی پا را فراتر گذاشته و از همگان طلبکاری می‌کنند.

در طول سال‌های اخیر و به‌ویژه روزهای گذشته در صحنه سیاسی - تبلیغاتی کشور شاهد جنجال‌آفرینی کسانی بوده و هستیم که باید به خاطر کارنامه سیاه آن دوره هشت‌ساله و به‌ویژه در بسترسازی و حمایت از آن «دولت خودسر» پاسخ‌گو باشند ولی این روزها با جوسازی‌های گستاخانه مدعی هستند و چهره طلبکارانی را از خود نشان می‌دهند که گویا در آنچه به میراث گذاشته‌اند، نکته مثبتی هم به چشم می‌خورده است! شاید لازم باشد یک بار دیگر کارنامه سیاه آن عناصر بی‌منطق در آن دوره تاریک هشت‌ساله را مرور کنیم تا بلکه آنها به خاطر بیاورند چه میراث شومی را در پشت سر خود باقی گذاشتند و بذر چه بحران‌هایی را پاشیدند و رفتند. آمریکای جنایتکار برای سال‌ها به برخی تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران پرداخته بود و با تلخکامی احساس می‌کرد که ایران اسلامی علیرغم تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا به سمت‌وسوی قله‌های موفقیت در حرکت است. ولی ناگهان در پرتو تصمیمات، اقدامات و موضع‌گیری‌های غیرمنطقی آن گروه انحرافی شاهد تحولاتی در مقیاس جهانی بودیم که سرانجام شش قطع‌نامه علیه ایران تصویب شد و ایران تحت فصل هفتم منشور ملل متحد به‌عنوان عامل ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در مقیاس جهانی معرفی شد که لازمه آن، برخورد با ایران حتی در ابعاد نظامی بود... به‌این‌ترتیب تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را همین حضرات با ندانم‌کاری‌ها و شعارهای کودکانه به تحریم‌های جهانی علیه ایران تبدیل کردند و شرایطی بغرنج از نظر اقتصادی، تجاری، نفتی و سیاسی علیه ایران شکل گرفت. نفت ایران در مسیری قرار گرفت که تا توقف کامل صادرات نفت، فاصله چندانی نداشتیم ولی حضرات همچنان شعار می‌دادند... . ای‌کاش کسی پیدا می‌شد این جماعت موج‌سوار و بی‌منطق را مهار کند و به آنها نهیبی بزند. این جماعت گستاخ از سعه‌صدر نظام و صبوری ملت، نه تنها در آن دوره تاریک هشت‌ساله بلکه حتی امروز هم سوءاستفاده می‌کنند و همچنان برای سرپوش‌گذاشتن بر کارنامه سیاه خود وسوسه می‌شوند.

نادان یا ...

حمید ملک‌زاده

وقتی شیخ شهید نمر باقر النمر به‌طور نامشروعی به دست حکومت عربستان به شهادت رسید، یک‌جور اجماع شدید بین‌المللی علیه حکومت سعودی و به نفع سیاست‌های منطقه‌ای ایران شکل گرفت که می‌شد با مدیریت آن، حکومت سعودی را تحت فشار قرار داد. می‌شد از طریق آن فشار، منافع کشور در مناسبات منطقه‌ای را تا حد زیادی تأمین کرد. هنوز وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران فرصت لازم را برای اتخاذ تصمیمی مناسب درباره این موضوع به دست نیاورده بود که تعدادی بدون توجه به مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی‌شان، به سفارتخانه و کنسولگری عربستان حمله کردند. نتیجه رفتار آنها شرایطی را ایجاد کرد که می‌توانیم بگوییم به وضوح «یا نادان بودند یا خائن». شرایطی که هنوز دستگاه دیپلماسی کشورمان با مصائب ناشی از آن درگیر است. این جماعتی که به‌جای فکرکردن تنها بلد است داد و فریاد راه بیندازد، اگر آن روز فکر می‌کرد در کشوری با حکومت مستقر که در آن درباره مسائل بین‌المللی میان سران قوا وحدت نظر وجود دارد، قبل از هر کاری باید منتظر موضع رسمی باقی ماند و بعد از اعلام این نظر، اگر لازم بود چیزی را آتش زد، یکی از مهم‌ترین فرصت‌های منطقه‌ای برای سیاست جمهوری اسلامی ایران را به تهدیدی بزرگ تبدیل نمی‌کرد. حالا و بعد از گذشت سال‌ها از آن ماجرا و در حالی که دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان و منطقه درگیر نتایج آن مصیبت است، نماینده محترم شهرستان لنجان در مجلس شورای اسلامی به همراه دوستانش، پشت تریبون رسمی مجلس، با وجود موضع رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران درباره شرایط برجام پس از اعلام رسمی خروج دولت ایالات متحده از این قرارداد چندجانبه بین‌المللی، حتی پیش از اینکه منتظر نظر رسمی مقام معظم رهبری بماند، رفتاری مخاطره‌آمیز و برخلاف منافع ملی را به نمایش گذاشتند.آنها حتی چند ساعت درنگ نکردند تا نظر رسمی مقام معظم رهبری را استماع کنند... کاغذی را به آتش کشیدند و پرچمی را سوزاندند و در حالی که سرخوش بودند، فریاد می‌زدند: «برجام رو آتیشش زدیم». جناب آقای کوهکن، در شرایطی که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا با قلدرمآبی خاص و استکباری خود در همراهی با رژیم نامشروع اسرائیل و حمایت دلارهای نفتی سعودی دام کودکانه‌ای برای وادارکردن نظام به جنگی بی‌فرجام تلاش می‌کند، جنگی که در خیال کودکانه این سه محور شرارت بناست اجماع شکسته‌شده جهانی علیه ایران را ترمیم کرده و به حکومت و مردم ایران آسیب برساند، بهتر است شما و دوستانتان به‌جای این اقدامات، در مقام نمایندگان مجلس به وظیفه قانونی خود برای پیشبرد سیاست‌های عالی جمهوری اسلامی ایران عمل کنید؛ سیاست‌هایی که از سوی ریاست محترم جمهور و رهبری معظم انقلاب اعلام شده است.

جناب آقای کوهکن، نمایندگی مجلس شورای اسلامی شأنی دارد. شما وظیفه دارید از هر رفتاری، حتی رفتاری که متناسب با علایق گروه کوچک سیاسی‌تان باشد، درباره مسائل ملی که به همه مردم ایران آسیب زده و منافع یک ملت را به مخاطره می‌اندازد، خودداری کنید. یکی از معانی بصیرت‌داشتن همین است. ملت بیش از این توان تحمل‌کردن هزینه‌هایی را که امثال شما و گروه کوچک سیاسی‌تان بی‌دلیل به آنها تحمیل می‌کنید، ندارد.

پیمان امنیتی با اروپا متضمن نجات اقتصاد ایران

امید پورعزیز

پس از ضربه کاری شخص دونالد ترامپ و اقلیت تندرو در آمریکا برای نابودی برجام، عزم اتحادیه اروپا بر حفظ این معاهده بین‌المللی و تلاش برای جلوگیری از تک‌قطبی‌شدن جهان استوار شد. ایران نیز که دراین‌بین چاره را تعامل با جامعه جهانی می‌داند، بلافاصله به این اراده اروپا روی خوش نشان داد و با وجود برخی موضع‌گیری‌های داخلی تبلیغاتی، عملا تنها کورسوی امید و تلاش برای نجات برجام را غنیمت شمرد؛ اما جدا از شعارزدگی و لفاظی‌های هیجانی، نحوه تعامل دوجانبه ایران و اروپا و ایستادگی در مقابل هجمه‌های آمریکا برای هر دو طرف ازجمله اتحادیه اروپا امر ساده‌ای نخواهد بود؛ چراکه اگر اروپا صرفا تخم‌مرغ‌هایش را در سبد اقتصادی ایران سرمایه‌گذاری کند، دیر یا زود ورشکسته شده و احتمالا به‌مرور در سکوت دردناکی با آمریکا همسو خواهد شد. البته جمهوری اسلامی نیز تمایل دارد که حتی‌الامکان با اروپا صرفا تعاملات اقتصادی داشته باشد و چندان حریم ژئوپلیتیک و امنیتی خود را به روی اروپایی‌ها نگشاید و اگر پس از چند صباحی و با فرض مذکور ایستادگی اروپایی‌ها به ورشکستگی گرایید، شاید آن‌گاه با آمریکای متعادل‌شده‌ای در آینده وارد تعامل جدید شود. پس با این اوصاف می‌بینیم که چنین رویکردهای مقطعی و یک‌سویه‌ای در درازمدت نه به نفع اروپا خواهد بود و نه حتی ایران.

بنابر استدلال فوق، احتمالا همکاری پایدار و سازنده با اروپا نیازمند فرمت‌های جدیدی فراتر از برجام و خلق مدل جدیدی از همکاری‌های بلندمدت امنیتی است. البته چنین مدل امنیتی‌ای نیز لزوما نافی برجام نبوده و حتی می‌تواند بر پایه‌های همان برجام استوار شده و توسعه یابد. یکی از مهم‌ترین و احتمالا تحقق‌پذیرترین استراتژی‌ها برای چنین همکاری پایداری، فراهم‌کردن زمینه ایجاد یک همکاری اقتصادی با اتکا به یک پیمان امنیتی شفاف و جدی بین ایران و اروپاست. در ادامه تا حدودی به برخی از جنبه‌های این مدل فرضی امنیتی پرداخته می‌شود. یکی از انگیزه‌های پیدایش چنین پیمان امنیتی‌ای بین ایران و اروپا بر پایه ایده اولیه شکل‌گیری یک نیروی نظامی مشترک در خود اتحادیه اروپا استوار است. این ایده مدت‌هاست در اتحادیه اروپا نیز مطرح بوده و چه‌بسا به‌تدریج زمینه عملیاتی نیز پیدا کند و قطعا تحقق این ایده می‌تواند تأثیر شگرفی بر مناسبات جهانی نیز بگذارد. از طرفی ازآنجاکه بحران پیش‌آمده بین اروپا و آمریکا بر سر برجام نیز یک معضل نوظهور جهانی است، می‌توان ارتباطاتی بین این ایده‌های جدید در سطح اتحادیه اروپا و معضلات جدید بین‌المللی پیدا کرد. ایده مشخص پیشنهادی در این یادداشت بر پایه مقدمات ذکرشده، شکل‌گیری یک پیمان مشترک امنیتی و نظامی بین ایران و اروپاست. طبق این پیمان فرضی پیشنهادی اروپا می‌تواند متعهد شود در مقابل هرگونه حمله نظامی و تجاوز به خاک ایران از سوی یک نیروی مشترک نظامی متشکل از نیروهای عموم کشورهای اتحادیه در کنار ارتش ایران به حمایت از خاک ایران بپردازد؛ به شرطی که ایران نیز متعهد شود آغازگر هیچ‌گونه تجاوزگری نظامی به هیچ کشوری در منطقه و جهان نباشد و به‌شدت متعهد شود که تحت هیچ شرایطی به سراغ ساختن سلاح اتمی و کشتار جمعی نرود. البته چنین پیمان نظامی و امنیتی‌ای به همین سادگی‌ها هم تحقق‌یافتنی نبوده و تبعات و جزئیات بسیار پیچیده دیگری را در بر می‌گیرد. ازجمله نحوه تعامل با ناتو، روسیه و حتی آمریکا یکی از جدی‌ترین مخاطرات چنین ایده‌های متهورانه‌ای است. حتی ممکن است دستیابی به چنین پیمان‌های امنیتی پیچیده‌ای فرایندهای طولانی‌مدت و مقدمات فراوانی نیاز داشته باشد؛ ولی صرف مطرح‌شدن آن و تلاش در راستای حرکت به سمت چنین پیمان‌های چندجانبه‌ای می‌تواند تأثیر مثبتی بر روندهای جاری بین این اتحادیه و ایران داشته باشد و نویدبخش صلح و ثبات در آینده شود.

شاید یکی از عواملی که برجام را آسیب‌پذیر کرده، جامع‌نبودن و توسعه‌ناپذیری آن است. در واقع این استراتژی اشتباهی است که تصور می‌شود در تعامل با قدرت‌های جهانی هر موقع که اراده کردند، نقطه بگذارند و همین که منافع موقت به صورت مقطعی تأمین شد، دست از مذاکره مداوم بردارند.

اساس دیپلماسی پویا نه از دل یک قرارداد قطعی و مطلوب، بلکه باید متکی بر تعاملات مداوم استوار باشد. حال اگر ایران بخواهد در مقطع فعلی صرفا در زمینه اقتصادی و دیپلماسی نرم بهره‌مندی‌اش از اروپایی‌ها تضمین شود و بس، این برجام ثانویه نیز دیری نخواهد پایید و عملا بعد از یکی، دو سال محکوم به شکست خواهد بود؛ ولی وقتی پای یک معاهده امنیتی و استراتژیک چندجانبه در میان باشد، عملا گسست چنین تعهدهای ریشه‌داری به‌راحتی و سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

اما اینکه چرا در این مقطع یک پیمان امنیتی بر همکاری‌های اقتصادی صرف ارجحیت می‌یابد، باید دلایلش را در پیچیدگی‌های خاص خاورمیانه، دلایل تاریخی و از همه مهم‌تر تهدیدهای امنیتی جدی که همواره متوجه ایران بوده است، جست‌وجو کرد. همچنین این قبیل معاهده‌های امنیتی عملا مسئولیت‌پذیرنبودن و ماجراجویی امنیتی برخی از متولیان امر در جمهوری اسلامی را نیز کاهش می‌دهد و آنها را در مقابل جامعه جهانی مسئولیت‌پذیرتر می‌کند. از طرفی درگیربودن اتحادیه اروپا که عملا یک قدرت جهانی متکثر و دموکراتیک است، اساسا شائبه وابستگی و خودفروختگی در ایران را نیز منتفی کرده و زمینه سوءاستفاده و غرض‌ورزی کشورها را نیز کاهش می‌دهد. از طرفی با وجود توصیه حفظ تعاملات سازنده مداوم با چین و روسیه، عملا این دو کشور نمی‌توانند به‌تنهایی متحد استراتژیک ایران محسوب شوند و ایران خواه‌ناخواه باید برای حفظ توازن منطقه‌ای یک شریک استراتژیک در دنیای غرب داشته باشد. شاید در زمان حاکمیت سابق ایران این همکاری استراتژیک به مرور با آمریکایی‌ها در حال شکل‌گیری بود؛ ولی کشورهای عرب منطقه خلیج فارس جایگزین ایران شده‌اند. حال به نظر می‌رسد در شرایط فعلی کم‌هزینه‌ترین و درعین‌حال تحقق‌پذیرترین راهکار برای حفظ این توازن منطقه‌ای، جایگزین اصولی اروپایی‌ها با آمریکایی‌ها برای ایران باشد. از طرفی این امر به اروپاییان نیز کمک می‌کند که به‌تدریج اعتمادبه‌نفس تضعیف‌شده خود بعد از جنگ جهانی دوم را باز یافته و در یک جایگاه پایاپای با آمریکایی‌ها تعامل دوجانبه عملیاتی داشته باشند.

یک اصل اساسی در نظام جهانی این است که هرگاه تنها یک قدرت برتر، حال هر قدر دموکراتیک و مدعی عدالت، استیلای امنیتی و اقتصادی در جهان داشته باشد، در صورت چیرگی فراگیر و تک‌صدایی‌شدن عرصه جهانی عملا صلح و ثبات به مخاطره می‌افتد. در شرایط فعلی نظام جهانی که گفتمان شرق و کمونیسم متلاشی شده و تنها تابوتی از آن باقی مانده است، قدرت‌یافتن اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از سردمداران دنیای مدرن برای برقراری مجدد توازن بین‌المللی یک رویکرد عاقلانه و منطقی به نظر می‌رسد. البته پرداختن به جنبه‌های مختلف این موضوع مسلما در حوصله این یادداشت نمی‌گنجد؛ ولی به این حد کفایت می‌شود که در راستای متعادل‌سازی نظام فعلی جهانی و همین‌طور دستیابی به منافع ملی و کلان کشور، پایه‌ریزی یک همکاری چندجانبه امنیتی، تجاری و حتی فرهنگی با اجماع کشورهای اروپایی یک تصمیم در مسیر درست و اصولی برای ایران ارزیابی می‌شود.

پاسخی عقلانی به خروج آمریکا از برجام

سعید امیر

واقعیت امر این است که خروج آمریکا از برجام به مدافعان و کشورهای امضاکننده آن ضربه وارد کرده است، چراکه با این تصمیم، مشروعیت رویکرد کشورهای دخیل در برجام مبنی بر تعبیه ملاحظات آمریکا در برجام زیر سؤال رفته است، اما در کنار این ضربه تهدیدآمیز آمریکا بر برجام، فرصتی مهم برای جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل جهت به‌کارگیری عقلانیت ارتباطی و اخلاقی به‌وجود آمده است. ایران در همین یک ماه اخیر با اصرار بر برجام یا همه یا هیچ، مسیری منطقی و عاقلانه انتخاب کرده بود از این جهت که این مسیر فشاری مضاعف از طرف اروپا بر آمریکا در راستای ماندن در برجام به وجود آورده بود. این استراتژی برجام همه یا هیچ تا زمان خروج آمریکا کارکرد داشت و بعد از آن ایران باید استراتژی جدیدی انتخاب می‌کرد که به‌درستی ابقا در برجام انتخاب شد. مهم‌ترین دلیل این انتخاب استراتژیک توسط ایران این است که هدف اصلی ایران از انعقاد برجام صرفا تحریم‌های آمریکا نبود، بلکه برجام فرصتی بود تا بتوانیم حتی منهای آمریکا نیز منافع اقتصادی و امنیتی خویش را دنبال کنیم. شش قطع‌نامه تحریمی و امنیتی‌کردن هویت ایران توسط قدرت‌های جهانی به‌شدت عرصه را بر فضای دیپلماسی ایران تنگ کرده بود. ما در کنار لغو تحریم‌های آمریکا، اهداف امنیتی و اقتصادی بزرگی در همکاری و رابطه با اروپا داریم که اکنون برجام منهای آمریکا ضرورتی مهم در تحقق این اهداف مهم است. ترامپ تلاشی سترگ را برای منزوی‌کردن ایران آغاز کرده که رابطه و همکاری ما با اتحادیه اروپا این تلاش را بی‌ثمر خواهد کرد. از طرفی جمهوری اسلامی با انتخاب استراتژی ماندن در برجام، سقف واکنشش در قبال بدعهدی آمریکا را با اروپا همگام و تسهیم کرده است. در صورت خروج ایران از برجام و برگشت به شرایط قبل از برجام، هیچ‌کدام از واکنش‌های هسته‌ای ما شامل افزایش تعداد سانتریفیوژها و افزایش حجم و غلظت اورانیوم، پاسخ تنبیهی مناسبی به بدعهدی آمریکا نخواهد بود، چراکه بهترین پاسخ بسیج‌کردن جامعه جهانی علیه تصمیم مخرب ترامپ و افزایش هزینه آمریکاست. در صورت خروج ایران از برجام امکان تأثیر این پاسخ تنبیهی به‌تنهایی از طرف ایران و در نبود قدرت‌های اروپایی کاهش می‌یافت،اما اکنون با همکاری اروپا در ساختار برجام می‌توانیم بخشی از اقدامات تنبیهی در قبال آمریکا را به اروپا واگذار کرده و مشروعیت‌زدایی رویکردها و تصمیمات بین‌المللی آمریکا را با قدرتی مضاعف که در نتیجه خروج آمریکا حاصل شده است، به نتیجه برسانیم. هدفی مهم که پس از انقلاب اسلامی دنبال شد و اکنون در حضور برجام با سرعت بیشتری میل به تحقق دارد. ترامپ امیدوار است با راهبرد گره‌زدن موضوعات حقوق بشر، موشک‌های بالستیک و نفوذ منطقه‌ای ایران با برجام، اروپا را در آینده با خود همراه کرده و فروپاشی کامل برجام را محقق کند؛ بنابراین مهم‌ترین دستور کار وزارت خارجه باید این باشد که در مذاکراتی جدید با اتحادیه اروپا، تمهیداتی مبنی بر عدم تأثیرپذیری اروپا از آمریکا در آینده برجام ارائه داده و اجازه ندهد اروپا از این راهبرد آمریکا متأثر شود.

صلح و رابطه آن با امنیت ملی

احمد مقبولی

«صلح، حالتی است که در آن جنگ حکمفرما نباشد». صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد، در روابط بین‌المللی چنین مفهومی داشت؛ اما ملل متحد مفهوم آن را وسعت داد و آن را به‌عنوان مفهومی مبتنی بر عدالت تلقی کرد. بنابراین از این دیدگاه، دیگر صرفا فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست، بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد، ممکن است باعث تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ سرد قوام یافت. سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کردند امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم وجود صلح و امنیت بین‌المللی نیست.خلیج‌فارس به‌عنوان یکی از مناطق مهم امنیتی، راهبردی و اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای در نظام بین‌الملل دارد؛ از همین رو، پیوسته مرکز توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده و از تجاوز آنها در امان نمانده است. خلیج‌فارس آبستن تهدیدهای نظامی متعددی برای امنیت خود بوده و هست. تلاش‌ها برای ایجاد صلح و امنیت در خلیج‌فارس نتوانسته با موفقیت همراه باشد و هنوز این منطقه با چالش‌های امنیتی جدی‌ای مواجه است. مجموعه عوامل و مؤلفه‌های منطقه‌ای ازجمله غالب‌بودن اختلافات و چالش‌ها بر دوستی و همکاری و تأثیرگذاری منفی متغیرهای فرامنطقه‌ای از سوی دیگر، همواره ایجاد صلح، امنیت و اقتصاد این حوزه را با مشکل مواجه کرده است. «باری بوزان» تهدیدات امنیتی را در پنج بُعد بررسی کرده است؛ تهدیدات سیاسی: تهدیدات سیاسی در سطح داخلی ناظر بر مسائلی مانند فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومت‌هاست. در سطح بین‌المللی نیز ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، ایجادکننده تهدیدات تلقی می‌شود. تهدیدات اقتصادی: فقر و توسعه‌نیافتگی مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی است که در بسیاری از موارد، سوءمدیریت نظام سیاسی داخلی آنها را تشدید می‌کند. تهدیدات اجتماعی: تهدیدات اجتماعی و فرهنگی غالبا ریشه در عوامل اقتصادی دارد. معضلاتی مانند مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته، چالش‌هایی هستند که می‌توانند باعث بروز ناامنی و تهدید صلح شوند. تهدیدات نظامی: تهدیدات نظامی از قدیم‌الایام به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی مطرح بوده‌اند. امروزه تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و اختلافات ارضی کشورها با یکدیگر نیز به این تهدیدات افزوده شده است. تهدیدات زیست‌محیطی: گرم‌شدن کره زمین، سوراخ‌شدن لایه ازن و تغییرات آب‌وهوایی، ازبین‌رفتن تدریجی جنگل‌ها به‌خصوص جنگل‌های بارانی، بروز خشک‌سالی و کم‌شدن آب شیرین و آلودگی رودخانه‌ها که انسان عامل مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از آنهاست، تهدیداتی هستند که ممکن است در آینده نه‌چندان دور، سبب تهدیدات نظامی نیز بشوند.در گذشته امنیت غالبا در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد؛ اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود و وقتی صلحی بین کشورها برقرار می‌شود، باید تمام ابعاد امنیت را دربر گرفته و در همه ابعاد امنیت ملی کشورها حفظ شود. همچنین زمانی که صلحی در سطح بین‌المللی بین‌کشورها، به‌ویژه درکشورهای نفت‌خیز که بیشتر در معرض حملات و تهدیدها قرار دارند،منعقد می‌شود، باید استقلال و تمامیت ارضی آنها نیز مدنظر باشد. بنابراین ابعاد صلح در کشورهای نفت‌خیز در مرحله اول باید امنیت ملی کشورها و در مرحله دوم استقلال و تمامیت ارضی آنها را تأمین کند؛ وگرنه صلح ایجادشده نه‌تنها صلح به حساب نمی‌آید، بلکه عامل اصلی اختلاف و جنگ بین کشورهای نفت‌خیر در سطح بین‌المللی خواهد شد.

بازگشت همه به سوی اوست

بدین وسیله درگذشت بانو **پریچهر بازرگان** را به اطلاع می‌رساند. مجلس ترحیم ایشان روز جمعه ۲۸ اردیبهشت، ساعت ۲ الی ۳/۳۰ بعدازظهر در مسجد جامع شهرک غرب برقرار است.

خانواده های بازرگان– عطائی

ادامه از صفحه اول

«عصبانی نیستم» چرا و چگونه؟

طرح درمانی: متخصصان مسائل و مشکلات روانی، در ابتدا با اخذ شرح‌حالی دقیق، مشکل اصلی، دلایل به‌وجودآورنده، عوامل محافظ، عوامل خطر، پیشینه خانوادگی و وضعیت ارتباطی مراجعه‌کننده را شناسایی می‌کنند. این امکان وجود دارد که جمع‌آوری اطلاعات یادشده حتی تا دو جلسه نیز به درازا بکشد. بعد از این مرحله، متخصص طرح درمانی را برای مراجع در نظر می‌گیرد؛ داروی مناسب، توضیحات لازم درباره دارو، میزان مصرف، اثرات جانبی احتمالی آن و روان‌درمانی مرتبط با مسئله فرد، بخش مهمی از اقدامات درمانگر برای کمک به مراجع در حل مسئله‌اش هستند. درباره موضوعات ذکرشده، بنا بر مقتضیات فیلم‌سازی، ما به‌عنوان تماشاگر در جریان این نیستیم که روان‌پزشک به نوید چه توضیحاتی می‌دهد، ولی اینکه نوید هروقت که احساس عصبانیت می‌کند، سر شیشه دارویش را باز کرده و دارو را به دهان انداخته و حتی درصدد نوشیدن جرعه‌ای آب نیز برنمی‌آید، دال بر این است که یا او به‌خوبی متوجه نحوه مصرف داروی خود نشده است یا اینکه سرخود، هروقت که احساس نیاز پیدا می‌کند، دارو را مصرف می‌کند. مشخص است که مصرف نامنظم دارو از اثربخشی آن خواهد کاست، کمااینکه در ادامه شاهد هستیم متخصص داروی قوی‌تری برای او تجویز می‌کند، ولی شیوه مصرف نوید کماکان مثل قبل است. بدیهی است که می‌توان به‌راحتی پیش‌بینی کرد این‌بار نیز دارو، آن‌چنان افاقه‌ای نخواهد کرد. در رابطه با درمان غیردارویی یا همان روان‌درمانی، درمانگر به نوید می‌گوید به خودت بگو «من عصبانی نیستم». علی‌القاعده درمانگران در دوره‌های آموزشی با سبک‌های مختلف روان‌درمانی آشنا می‌شوند: روان‌کاوی، درمان‌های شناختی- رفتاری و درمان‌های التقاطی (ترکیبی) از رایج‌ترین شیوه‌های روان‌درمانی‌اند که هرکدام مختصات خاص خود را دارند. در رابطه با مشکلی مثل تیزخشمی، نمی‌توان انتظار داشت که به‌صرف یک توصیه (خودگویی)، مراجعه‌کننده بتواند بر خشم خود غلبه کند. یاددادن روش‌هایی مانند تنفس دیافراگمی، آرمیدگی، تصویرسازی ذهنی، بازسازی ذهنی، مدیریت استرس، مهارت‌های ارتباطی و در نهایت حل مسئله، مؤثرترین شیوه‌های روان‌شناختی برای کمک به افرادی است که توانایی‌های لازم را برای کنترل خشم خود ندارند. خصوصیات متخصص: یکی دیگر از موضوعات قابل‌بررسی، خصوصیات متخصص فیلم است. همین که ما چهره او را نمی‌بینیم نشانه‌ای است دال بر اینکه درمانگر ارتباط یک‌طرفه‌ای را برقرار می‌کند و بعد از شنیدن توضیحات نوید، نسخه خود را برای او می‌پیچد ادر فیلم نمی‌بینیم که متخصص، توضیحات خود را با چه حالت‌های چهره‌ای، ژست‌های دست و حالت نشستن به زبان می‌آورد، ولی صدای او شاخص مهمی است که اطلاعات قابل‌توجهی را به ما می‌دهد؛ تن صدای یکنواخت و عاری‌بودن صدا از هر نوع احساسی، فضایی را ایجاد می‌کند که در واقعیت، مراجع را پس زده و به احتمال زیاد مانع می‌شود که او جذب متخصص خود شود. ذکر این نکته لازم است که مدیریت خشم، جزء دشوارترین توانایی‌هایی است که یک متخصص می‌تواند به مراجع خود آموزش دهد؛ بنابراین محقق‌شدن این هدف درمانی ایجاب می‌کند که متخصصان خصوصیات فردی و حرفه‌ای قابل‌توجهی داشته باشند.روشن است که هدف فیلم‌ساز، تمرکز بر عوامل اجتماعی در بروز پدیده‌ای روان‌شناختی مثل پرخاشگری است. ولی اگر در نظر بگیریم که ارتقای سواد سلامت روان جامعه نیاز به برنامه‌ریزی مفصلی دارد، قاعدتا یکی از روش‌ها، ارزیابی‌های روان‌شناختی این‌گونه فیلم‌هاست. طبیعی است که قرار بر این نیست که کارگردانان در فیلم‌های خود، مردم را آموزش دهند، ولی پرداخت محتوایی این‌دست از فیلم‌ها و تشریح موارد آموزشی آنهاست که می‌تواند کنجکاوی لازم را در ارتقای سلامت روان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در بخشی از مردم که هنوز انگیزه‌هایی برای توانمندکردن خود دارند، فعال کند.در پایان لازم است گفته شود که در علم پیشگیری که وظیفه اصلی آن کمک به افراد برای مبتلانشدن به بیماری‌های جسمانی و درگیرنشدن در انواع آسیب‌های روانی- اجتماعی است، دو هدف عمده دنبال می‌شود: هدف اولِ پیشگیری، توسعه سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه است به این معنی که برنامه‌ریزی‌های ریز و کلان جامعه به‌گونه‌ای صورت گیرد که مانع از فعال‌شدن نقاط ضعف افراد شود. روشن است که مسائل و مشکلات تحصیلی (اخراج از دانشگاه)، شغلی (پیدانکردن شغل مناسب) و فردی نوید (ازدواج) آستانه تحمل او را به حدی پایین آورده‌اند که تاب و تحمل شرایط ناخوشایند را در او به حداقل ممکن رسانده است. وقتی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی مبتنی بر به‌حداقل‌رساندن این‌گونه شرایط نباشد، طبیعی است که پیامدهای عدیده‌ای آشکار خواهد شد. هدف دومِ پیشگیری، تقویت توانایی‌های فردی افراد است که بتوانند در مواجهه با مسائل و مشکلات رایج در جامعه، با یادگیری تاب‌آوری، برای رفع آنها ناامید نشده و دست از تلاش برندارند. فیلم «من عصبانی نیستم» به‌روشنی به هر دو جنبه اجتماعی و فردی نوید پرداخته است؛ شرایط بیرونی باعث آسیب‌پذیری نوید می‌شوند و آسیب‌پذیری نوید حساسیت او به شرایط بیرونی را تشدید می‌کند. کاهش عوامل خشم‌برانگیز بیرونی و افزایش توانایی‌های روان‌شناختی افراد ملزم به برنامه‌ریزی‌های جامعی است تا نوید و امثال او به ورطه نابودی نیفتند.